

حرفه‌ای بودن در فوتبال فقط به پول نیست

با امیر قلعه‌نویی، سرمربی موفق فوتبال ایران و تراکتورسازی ...



با امیر قلعه‌نویی، سرمربی موفق فوتبال ایران و تراکتورسازی
حرفه‌ای بودن در فوتبال فقط به پول نیست

اشاره: امیر قلعه‌نویی یکی از چهره‌های شاخص فوتبال ایران است؛ چهره‌ای که تماشاگران استقلال حتی در مقطع فعلی که تیمشان با پرویز مظلومی در اوج قرار دارد، برای بازگشت قلعه‌نویی به استقلال بی‌تابی می‌کنند. این اتفاق را در طول فصل نقل و انتقالات بارها به وضوح دیده‌ایم و هر وقت قلعه‌نویی از استقلال دور بوده یکی از سوزنده‌های اصلی فصل نقل و انتقالات بازگشت یا عدم بازگشت او به جمع آبی‌ها بوده است. حتی هواداران پرسولیس نیز بر توانایی فنی این مربی صحنه می‌گذارند. کسی که به گفته کارشناسان در دوران بازیگری و بنا به دلایلی همچون مقتضیات زمانی و هم‌دوره بودن با ستارگان دهه 60 و 70 هیچ‌گاه نتوانست حق خود را از فوتبال ایران بگیرد و تنها 17 بازی ملی در کارنامه او به ثبت رسید. اما قلعه‌نویی در دوران مربیگری خود افتخارات زیادی کسب کرده، تا جایی که عنوان پرافتخارترین مربی تاریخ لیگ برتر را با کسب 4 عنوان قهرمانی یدک می‌کشد. این مربی 48 ساله حالا در تراکتورسازی رویاهای بلندپروازانه خود را

جست و جو می‌کند. تراکتورسازی تیمی با آن همه هوادار خونگرم، چشم به نبوغ این مربی کاربلد دوخته تا بلکه بتواند برای نخستین بار قهرمان لیگ برتر شده یا دست‌کم سهمیه حضور در پلی آف لیگ قهرمانان آسیا را کسب کند. تیم قلعه‌نویی گرچه در جام حذفی و در عین ناباوری مغلوب شهرداری یاسوج شد، اما در عرصه لیگ داعیه قهرمانی دارد و نمی‌خواهد به سادگی از بلندپروازی خویش دست بشوید؛ در چنین وضعیتی قلعه‌نویی از لزوم جذب 5 بازیکن به منظور قدرت‌نمایی تیمش در نیم فصل دوم یاد می‌کند. با این مربی جوان و موفق گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در نوع خود خواندنی است.

امیر قلعه‌نویی به عنوان یکی از موفق‌ترین مربیان فوتبال ایران و به عنوان کسی که از او به عنوان بهترین مربی فوتبال ایران یاد می‌شود، نخستین عاملی را که در دنیای مربیگری مد نظر دارد و بر محور آن کار می‌کند، چیست؟

ابتدا باید بگویم من اگر در فوتبال به جایی رسیده‌ام در درجه اول آن را خواست و لطف پروردگار نسبت به خودم می‌دانم و از این بابت همیشه خدای بزرگ را شاکرم. اضافه بر آن حمایت و محبت همیشگی مردم شامل‌حالم شده که وظیفه خود می‌دانم همیشه قدردان این محبت‌ها باشم. به هر ترتیب من در کارم در وهله اول پایبند به یک سری اصول اخلاقی هستم و حاضر نیستم به هیچ عنوان این اصول را زیر پا بگذارم، چرا که معتقدم برای انجام دادن هر کاری انسان باید بر اساس یک سری اصول خاص همان کار پیش برود. در چنین حالتی تمرکز خود را از دست نداده و بر اساس همان اصول پیش می‌رود. این‌که در چنین شرایطی انسان در کار موفق باشد یا خیر، بحث دیگری است و مهم این است که براساس خط مشی ترسیمی جلو رفت و از ناملایمت‌ها ناامید نشد. موضوع اخلاق در ورزش موضوعی نیست که با گذشت زمان دچار کهنگی شده و از بین برود؛ بویژه با توجه به اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی در ورزش ایران که گذشت و فتوت در آن، اصلی خدشه‌ناپذیر است و ویرای موفقیت‌های ورزشی، مردم ما به قهرمانان اخلاقی ورزش توجه ویژه‌ای دارند. گرچه خیلی‌ها از اخلاق و اصول اخلاقی به عنوان گم‌شده ورزش و بویژه فوتبال ایران یاد می‌کنند، به شخصه اعتقاد دارم وقتی ما در ورزش و بویژه فوتبال ارقام آنچنانی تحت لوای حرفه‌ای بودن هزینه می‌کنیم ضروری است که در همه زمینه‌ها و ابعاد این فوتبال نیز حرفه‌ای باشیم. با این رویکرد، اخلاق و رفتار هم جزئی از همین مساله است و فوتبال حرفه‌ای تنها در هزینه کردن زیاد خلاصه نمی‌شود و فوتبال ما باید در همه زمینه‌ها حرفه‌ای باشد که اخلاق و رفتار هم جزئی از این اصول حرفه‌ای است. بدیهی است وقتی در همه حوزه‌ها مثل اعتقادات، رفتارها و اخلاق فردی و اجتماعی یک سری اصول تعریف شده داریم، در ورزش و بخصوص فوتبال هم که به خاطر جذابیت‌های بیشتر مورد توجه مردم است ما به عنوان عضوی از خانواده فوتبال باید یک سری اصول را بیشتر از سایر اقشار جامعه رعایت کنیم تا شاهد تاثیر مخرب هنجارشکنی فوتبال در جامعه نباشیم. بنابراین در فوتبالی که این همه مورد توجه مردم قرار دارد وقتی اصول از سوی کسانی که حرفه‌ای پول می‌گیرند، نادیده گرفته شود، به طور طبیعی در این ماجرا این خود فوتبال است که آسیب می‌بیند، چون حرفه‌ای بودن تک بعدی آن هم در پرداخت پول هیچ منفعتی برای فوتبال ما

همان طور که خود شما اذعان کردید به دلیل این که فوتبال در کانون توجه مردم قرار دارد طبیعتاً فضای آن بر جامعه تاثیر می‌گذارد، شما به عنوان کسی که مورد توجه درصد بالایی از مخاطبان این رشته قرار دارید فکر می‌کنید چرا فضای ورزشگاه‌های ما به فضایی غیر فرهنگی تبدیل شده است، اصولاً قلعه‌نویی وقتی صدای توهین و فحاشی تماشاگران را از روی سکوها می‌شنود، چه احساسی دارد؟

طبیعی است که در این حالت فوق‌العاده ناراحت می‌شوم. بارها دیده‌اید که همیشه قبل از بازی‌های حساسی که در تیم‌های مختلف پیش رویم بوده، تماشاگران را به خویشتنداری و پرهیز از توهین به تیم حریف تشویق کرده‌ام. حتی پیش آمده هنگام برگزاری بازی و با این که یک مربی همه حواسش معطوف عملکرد تیمش است وقتی صدای فحاشی و توهین را از سکوها شنیده‌ام، تماشاگران را دعوت به آرامش و خودداری از این کار کرده‌ام. اما همانطور که می‌دانید این مساله ریشه در فرهنگ ما دارد و باید برای اصلاح آن، کار فرهنگی درست و حسابی صورت گیرد. با وجود این نباید فراموش کنیم که ما فوتبالی‌ها باید آستانه تحمل خود را بالا ببریم. چیزی که من شخصا آن را مدنظر دارم و سعی می‌کنم ظرفیت تحمل و شنیدن برخی حرف‌های زشت و نامربوط را از سوی برخی تماشاگران داشته باشم تا فضا ملتهب‌تر نشود. چه در غیر این صورت اگر ما مربیان نیز عکس‌العمل منفی به این شعارها نشان دهیم اتفاقاتی می‌افتد که در شأن و شخصیت فوتبال ایران نیست. برمی‌گردم به اول صحبت‌هایم و این که باید همه زوایای فوتبال ما حرفه‌ای شود. یعنی اهل رسانه، تماشاگر، فوتبالیست، مربی، داور و به طور کلی همه دست‌اندرکاران و افراد مرتبط با فوتبال، باید رفتار حرفه‌ای مبتنی بر اصول اخلاقی داشته باشند. نمی‌خواهم از این حرف‌هایم خدای ناکرده سوءبرداشت شود. در درجه اول به خودم می‌گویم که باید بیشتر آموزش ببینیم و کار فرهنگی گسترده‌ای صورت گیرد تا بساط فضای مخرب در فوتبال برچیده شود. هرچند بی‌انصافی است که همه این مسائل را به فوتبال ربط دهیم، اما نباید فراموش کنیم که برخی فشارهای اقتصادی هم باعث می‌شود تماشاگران به ناگاه از کوره در رفته و الفاظ زشتی را بر زبان بیاورند.

اتفاقی که یکی دو هفته پیش در جریان بازی استقلال افتاد و باعث شد هواداران استقلال یک بار دیگر به یاد شما بیفتند، موضوع انتقاد مجتبی جباری از پرویز مظلومی بود. شما اگر جای مظلومی بودید چه برخوردی با جباری می‌کردید؟

اولاً این قضیه مربوط به یک باشگاه دیگر است و درست نیست من درباره آن حرف بزنم، بویژه این که قضیه تمام شده است. فقط می‌گویم ما آمده‌ایم زندگی کنیم تا قیمت پیدا کنیم نه این که با هر قیمتی زندگی کنیم. من راجع به خودم حرف می‌زنم، هرچا باشم سرباز آن مجموعه هستم. نباید سر خبرنگار و هوادار منت بگذاریم چون پول حرفه‌ای می‌گیریم. این بحث‌ها همه برای زمان‌هایی است که فوتبالمان اصولی باشد، اما متأسفانه امروز فوتبال ما نتیجه‌گرا شده است. یک مربی شاید برای نتیجه گرفتن چشم خود را بر برخی مسائل ببندد، اما قلعه‌نویی این کار را نمی‌کند و چنین اتفاقی اگر در تیم من می‌افتاد آن طور که می‌دانستم با بازیکن خاطی برخورد می‌کردم.

مثل قضیه‌ای که در رابطه با مهدی کیانی به وجود آمد و باعث شد تا شما برای هفته‌ها این بازیکن را از ترکیب تیم بیرون بگذارید.

دقیقاً، من در رابطه با اصول کاری‌ام با هیچکس شوخی و تعارف ندارم و بازیکن نیز باید بداند که من به‌عنوان مربی هیچ زمان بد آنان را نمی‌خواهم.

و در نهایت این بازیکن اخراجی را بخشیدید؟

بحث بخشش و معذرت خواهی مطرح نبود. یک مربی گاه دنبال تشویق است و گاه دنبال تنبیه، گاه لازم است هدایت کرده و گاه نیز بسترسازی کنیم. مهدی کیانی بعد از این همه مدت و بازی نکردن با مسوولان باشگاه صحبت کرد که دوست دارد بماند و در تراکتورسازی ایفای نقش کند، من هم با او حرف زدم و این بازیکن را نصیحت کردم. فکر می‌کنم کیانی از این مساله درس لازم را گرفته باشد و برای همین قرار شد که با بازگشت به تمرینات، کارش را از نو آغاز کند.

این که شما به عنوان مربی یکی از پرطرفدارترین تیم‌های ایران چنین نگرشی دارید قابل تقدیر است، اجازه بدهید کم‌کم وارد بحث شرایط این تیم تبریزی بشویم. اصولاً چطور شد که جذب تراکتورسازی شدید؟

بخاطر طرفداران نمونه و پر شورش. در همه جای دنیا روی تماشاگر به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی ورزش حساب می‌کنند و حتی در کشورهای عربی به تماشاگران ماشین جایزه می‌دهند. در حالی که ما آنچنان که باید و شاید قدر این سرمایه ارزشمند را نمی‌دانیم و آنها در شرایطی گسترده در ورزشگاه‌ها حضور می‌یابند که امکانات لازم در اختیارشان نیست. بنابراین من به خاطر همین تماشاگران خونگرم آذربایجان به تبریز آمدم. در حال حاضر بهترین دوران ورزشی‌ام را پشت سر می‌گذارم و هر جا می‌روم هواداران تراکتور آنقدر

با معرفت و بامرام هستند که مرا شرمنده محبت خود می‌سازند. البته من توقع دارم در کنار حمایت خوبی که آنها از تیم دارند آنچنان که شایسته فرهنگ مردم آذربایجان است در ورزشگاه حضور پیدا کرده و در کنار تشویق تیم خود، به حریفان نیز احترام بگذارند تا بتوانیم با کمک هم، به اهداف مورد نظر برسیم. چندی پیش در گفت‌وگویی صمیمانه‌ای که با تعدادی از هواداران داشتم به آنها گفتم ما دنبال این هستیم که شرایط خوبی در تراکتور درست کنیم. ما به فکر آینده هستیم و خدا را گواه می‌گیرم کاری که ما می‌کنیم در جهت اصلاحات اساسی در تیم است.

اخلاق و رفتار هم جزئی از همین بحث محسوب می‌شود، وقتی می‌بینیم که در همه حوزه‌ها مثل اعتقادات رفتار و اخلاق یک سری اصول تعریف شده داریم در ورزش و بخصوص فوتبال هم که به خاطر جذابیت هایش بیشتر مورد توجه مردم است، به عنوان عضوی از خانواده فوتبال باید یک سری اصول را بیشتر از سایر اقشار جامعه رعایت کنیم اما به نظر می‌رسد به دنبال نوسان نتایج تراکتورسازی قدری با تماشاگران دچار چالش شدید و برای همین نیز تعداد تماشاگران تیم کاهش یافت.

هیچ چالشی بین من و تماشاگران تراکتورسازی وجود ندارد و در همان جلسه‌ای که به آن اشاره کردم به آنها گفتم ما وظیفه داریم، هم به مردم احترام بگذاریم و هم به خواسته‌های آنان توجه کنیم. ولی در نهایت شما هم بدانید که ما با تیم زندگی می‌کنیم و می‌دانیم که نیازهای تیم چیست و از شما می‌خواهم که اجازه دهید ما کارمان را به خوبی انجام دهیم. من هیچ منتی برای این کار ندارم چون در عین حال به فکر کارنامه خودم هستم و اگر نتیجه نگیرم، این شکست ابتدا در کارنامه‌ام درج می‌شود و سپس تراکتور. بنابراین به هواداران تراکتور عرض می‌کنم من هیچ وقت کاری نمی‌کنم که به خودم لطمه بزنم. در کل من آدم روراستی هستم و دوست ندارم به مردم دروغ بگویم. به هر حال من از حضور در تراکتورسازی بسیار خوشحالم و اگر الان میلیاردها تومان پول بدهند من این تیم را ترک نمی‌کنم و به پیراهن تراکتور وفادار هستم.

اما انتظارتان از شما بالاست و برای همین به هر تیمی که می‌روید، انتظار می‌رود که تیم خوب نتیجه بگیرد و در شمار تیم‌های مدعی به حساب آید، مثل الان که هواداران تراکتور از شما توقع قهرمانی دارند.

هر تیم برای خود اهدافی را دنبال می‌کند، طبیعی است تراکتور هم یک سری پتانسیل و توانایی‌های خوبی دارد که باید از آنها به نحو احسن استفاده کنیم. اولین پتانسیل حضور مردم است، من گرچه قوی به کسی نداده‌ام همان‌طور که در استقلال و سپاهان هم به کسی قوی ندادم، اما با تلاش همه توانستیم آن قهرمانی‌ها را از آن تیم کنیم. در رابطه با تراکتورسازی هم باید بگویم اگر بتوانیم در نیم فصل 6 - 5 بازیکن مورد نیازمان را جذب کنیم می‌توانیم در کورس باشیم. در دور برگشت 10 بازی خانگی با رقیبانمان داریم و در نتیجه از هواداران تیم می‌خواهم به ورزشگاه بیایند و تیم خود را تشویق کنند. شاید من قلعه‌نویی امروز در تبریز مهمان باشم و فردا نباشم، اما تراکتورسازی نماد تبریز است و همیشه باید در اوج بماند.

اتفاقی که باعث ناخشنودی هواداران تراکتورسازی شد شکست تیم شما از تیم شهرداری یاسوج و حذف از گردونه جام حذفی بود؟

بعد از آن اتفاق از همه مردم آذربایجان و هواداران تیم تراکتور عذرخواهی کردم. واقعیت این است که در یاسوج شرایط خوب نبود و زمین نیز کیفیت نداشت و تیم از هر جهت تحت فشار بود، به هر حال معتقدم ما نباید بازی را واگذار می‌کردیم. جام حذفی برای ما تمام شده و همه توان خود را برای ادامه بازی‌های لیگ به کار بسته‌ایم و امیدوارم به اهدافمان دست یابیم. تراکتورسازی در نیم فصل دوم تقویت خواهد شد و اگر شرایط فعلی‌مان در جدول لیگ حفظ شود، حتی شانس قهرمانی هم خواهیم داشت. چون در آن موقع تیم به بلوغ تاکتیکی خواهد رسید و مطمئن باشید در نیم فصل دوم تراکتور طور دیگری بازی خواهد کرد. تراکتور پتانسیل خوبی دارد، در تبریز یک وحدت رفتاری برای حمایت از تراکتور وجود دارد و امیدوارم با گرفتن نتیجه‌ای مطلوب در پایان فصل، هوادارانمان را خوشحال کنیم.

تراکتور امسال یک پتانسیل بسیار خوب دیگر هم دارد و آن استفاده از بازیکنان مشمول خدمت سربازی است. آخرین نفری نیز که به ترکیب تیم شما پیوست، قاسم حدادی‌فر، ملی‌پوش ذوب‌آهن است که به نظر می‌تواند به تقویت تراکتورسازی منجر شود.

از این بابت خوشحالم و امیدوارم بتوانیم در نیم فصل بازیکنان مد نظرمان را جذب کنیم. ضمن این‌که امیدوارم حدادی فر در تراکتورسازی هم بتواند توانایی هایش را نشان دهد.

شکست‌ناپذیر مقابل پرسپولیس این لقبی است که هواداران استقلال به شما داده‌اند، در حالی که اخیراً با تراکتورسازی هم پرسپولیس را شکست دادید، آن هم بعد از حدود 4 دهه که تراکتور نتوانسته بود در آزادی پرسپولیس را شکست دهد، چه نظری در این باره دارید؟

پرسپولیس همیشه پرسپولیس بوده و هست و اینها فقط آمار و ارقام است. البته لطف خداست که من توانسته‌ام به چنین توفیقی دست یابم و امیدوارم پرسپولیس هم به روزهای اوجش بازگردد و موجب خوشحالی هوادارانش بشود.

اما در همین دیدار اخیر که به برتری یک بر صفر شما انجامید، تماشاگران پرسپولیس شما را متهم به ضد فوتبال کردند؟

هواداران پرسپولیس از این که تیمشان باخته بود، ناراحت بودند و طبیعی بود که شعار دهند، اما من همان 2 بازیکنی را که به دلیل زمین خوردن مورد اعتراض بودند، به واسطه مصدومیت تعویض کردم. این وصله‌ها اصلاً به من نمی‌چسبند، من در هر تیمی بودم، تیم‌هایم جزو بهترین خط حمله‌های لیگ بوده‌اند درست مثل امسال. من عاشق بازی‌های هجومی هستم و به‌طور طبیعی همیشه تیم‌هایم را هجومی ارنج می‌کنم. معتقدم نتیجه 3 بر 2 بهتر از نتیجه یک بر صفر است و با این رویکرد تفکراتم ناظر به فوتبال هجومی است.

نقش ستاره‌ها در هر تیمی نقش انکارناپذیری است. شما بعد از بازی با پرسپولیس، به تمجید از عملکرد علی کریمی پرداختید، اصولاً ارزیابی تان در رابطه با این قبیل بازیکنان چیست؟

همان‌طور که گفتید، وجود ستاره برای هر تیمی یک نعمت است، معتقدم علی کریمی تمام شدنی نیست و فوتبال فوق العاده زیبایی‌ارائه می‌کند، کریمی دیگر در فوتبال ایران تکرار نخواهد شد و امیدوارم فوتبال ما قدر بازیکنانی چون علی را بداند.

و حمید استیلی نیز از پرسپولیس جدا شد تا این تیم شرایط تازه‌ای را مورد توجه قرار دهد.

حمید از دوستان خوب من است و باید بگویم که هواداران پرسپولیس نباید نسبت به او حرمت شکنی می‌کردند. به هر حال شما هر قدر هم که مربی خوبی باشید، ممکن است در یک تیم کارتان به مشکل بخورد که استیلی نیز به همین وضعیت دچار شد. هر چند معتقدم چیزی از ارزش‌های حمید کم نشد و به‌طور حتم او در آینده مربی بزرگی خواهد شد.

اگر AFC سهمیه ایران را کاهش داده است نباید فقط حسرت بخوریم. اگر می‌خواهیم وضع از این چیزی که الان هست بدتر نشود، باید هر چه سریع‌تر و با برنامه در جهت برطرف کردن مشکلات حرکت کنیم. برگردیم به بحث حرفه‌ای شدن، بدرستی به لزوم حرفه‌ای شدن همه جانبه فوتبال ایران اشاره کردید، اتفاقی که چنانچه رخ دهد در درجه اول به سود فوتبال ملی ما در عرصه‌های بین‌المللی خواهد بود. متأسفانه این حرفه‌ای شدن تک بعدی که تنها در بحث پرداخت‌ها صورت گرفته، آسیب‌های متفاوتی را متوجه فوتبال ما کرده است. همان‌طور که مستحضرد، یکی از این آسیب‌ها، موضوع کاهش سهمیه فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا از 4 به 2/5 تیم بود. فکر می‌کنید با چه ساز و کاری می‌توان در این زمینه پیش رفت تا ضمن دریافت سهمیه کامل لیگ قهرمانان آسیا، شاهد رشد و اعتلای لیگ حرفه‌ای فوتبال کشورمان باشیم؟

متأسفانه مشکلات و معضلات فوتبال ایران، ما را به جایی رسانده است که باید حسرت کشور کوچکی مثل قطر را بخوریم. قطری که در 25، 30 سال گذشته علاوه بر برگزاری بازی‌های آسیایی، 2 دوره جام ملت‌های آسیا را میزبانی کرده و حالا خودش را برای جام جهانی 2022 آماده می‌کند؛ ورزشگاه‌های مجهز و زیبایی ساخته و توانسته است به چنین موفقیت‌هایی دست پیدا کند که حتی سهمیه‌اش از ما بیشتر باشد. به‌واقع باید ببینیم اگر قرار باشد مثل همه جای دنیا که کیفیت ورزشگاه‌ها را با دادن ستاره به آنها می‌سنجند، ورزشگاه‌های ما چه ستاره‌ای می‌گیرند؟ 2 سال پیش، همه این هشدارها را دادند و کسی توجه نکرد. آن زمان صحبت از انتخاب مربی خارجی برای تیم ملی بود. با این که معتقدم ما کشوری غنی هستیم، اما مشکل اصلی فوتبال ما، نبود برنامه و امکانات است تا مربی در عین حال مدیریت برنامه محور هم نداریم. این در حالی است که با توجه به غنای کشورمان می‌توانیم همزمان در راه پیشرفت همه جانبه فوتبالمان حرکت کنیم. بدیهی است ما هم می‌توانیم بهترین مربیان دنیا را به ایران بیاوریم و بهترین ورزشگاه‌ها را نیز بسازیم. اگر می‌بینیم قطر به چنین توفیقاتی دست یافته، مطمئن باشید به خاطر وجود برنامه ریزی و حاکم بودن افق برنامه محور بر فوتبال و ورزش این کشور است. بنابراین اگر کنفدراسیون فوتبال آسیا، سهمیه فوتبال ایران را در لیگ قهرمانان کاهش داده است، نباید بنشینیم و فقط حسرت بخوریم. مشکل ما نبود برنامه‌ریزی و امکانات است و اگر می‌خواهیم وضع از این چیزی که الان هست بدتر نشود باید هر چه سریع‌تر و با برنامه در جهت برطرف کردن مشکلات حرکت کنیم.

به حضور مربیان خارجی بزرگ در ورزش ایران اشاره کردید، طبیعتاً وقتی صحبت از حضور این قبیل مربیان می‌شود نام کارلوس کرش پرتغالی سرمربی تیم ملی فوتبال و خولیو ولاسکو سرمربی آرژانتینی-ایتالیایی تیم ملی والیبالی در ذهن تداعی می‌شود. این دومی حتی به گواه مردم عملکرد بی‌نظیری در جام جهانی والیبالی داشت. شما به عنوان کسی که سابقه هدایت تیم ملی را دارید، چنین عملکردی را از کارلوس کرش در تیم ملی فوتبال دیده‌اید؟

در رابطه با والیبال جا دارد من هم به سهم خودم درخشش تیم ملی را به جامعه والیبالی صمیمانه تبریک بگویم و ابراز امیدواری کنم که این تیم در مراحل بعدی نیز موفق باشد. اما در رابطه با ارزیابی عملکرد کارلوس کرش معتقدم اگر می‌خواهیم ببینیم حضور کرش چه دستاوردی برای تیم ملی داشته است باید عملکرد او را بر اساس برنامه مورد نظرش بررسی کنیم و این‌که آیا براساس آن برنامه پیش‌رفته است، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید کرش مربی کوچکی است، کسی که در تیم ملی پرتغال، رئال مادرید و منچستر یونایتد کار کرده قطعاً مربی بزرگی است، اما باید دید تا چه حد براساس برنامه‌اش پیش‌رفته و از همه مهم‌تر این‌که مطابق برنامه سرمربی تیم ملی، امکانات در اختیار او قرار داده شده است یا خیر؟ از طرفی نباید فراموش کنیم که خیلی زود است بخواهیم در رابطه با عملکرد کرش قضاوت کنیم چون تیم ملی با این مربی هنوز محک جدی نخورده است. معتقدم نباید فریب پیروزی پرگل مقابل بحرین را بخوریم، همه می‌دانند که بحرین به لحاظ شرایط سیاسی چه وضعیتی دارد، ما با قطر مساوی کردیم و تیم‌هایی مثل مالدیو و اندونزی را شکست داده‌ایم. این تیم‌ها هیچ‌یک در حد و اندازه‌های محک زدن فوتبال ما نیستند و باید منتظر ماند و دید که تیم ملی با کارلوس کرش در مصاف با تیم‌های بزرگ چه عملکردی خواهد داشت. به هر ترتیب من هم مثل هر ایرانی آرزوی موفقیت برای تیم ملی کشورم را دارم.

و به عنوان سوال آخر، سوالي که طبیعتاً هواداران استقلال متوجه شنیدن پاسخ آن هستند، فصل بعد به استقلال بر می‌گردید؟

من الان مربی تراکتورسازی هستم و باید در مورد تیم خودم حرف بزنم و هیچ دوست ندارم درباره استقلال اظهارنظری داشته باشم. استقلال در حال حاضر مدیریت و کادرفنی خوبی دارد و برای این تیم آرزوی موفقیت می‌کنم و از محبت همیشگی هواداران استقلال هم صمیمانه تشکر می‌کنم.

کوتاه و خواندنی درباره قلعه‌نویی

راه‌آهن، شاهین، السد قطر و استقلال تیم‌هایی هستند که قلعه‌نویی در دوران بازیگری در آنها توپ زده است.

قلعه‌نویی به عنوان مربی از فصل 81 به بعد که در لیگ برتر با استقلال اهواز به پرسپولیس باخت، در 14 بازی متوالی مقابل پرسپولیس شکست نخورد. قلعه‌نویی 4 بار هم با سپاهان مقابل پرسپولیس صف‌آرایی کرد که 2 برد و 2 تساوی حاصل آن بوده است اما در جام حذفی با سپاهان در ضربات پنالتی به سرخ‌ها باخت که در آمارهای رسمی شکست در ضربات پنالتی باخت محسوب نمی‌شود.

قلعه‌نویی به عنوان بازیکن نیز رکورد جالب توجهی دارد. او در قالب بازیکن طی سال‌های 60 تا 74 در تیم‌های راه‌آهن، شاهین و استقلال 7 بار مقابل پرسپولیس به برتری دست یافته و 3 بار به همراه این تیم در مصاف با پرسپولیس به تساوی دست یافته است.

سال 1360 به تیم ملی جوانان دعوت شد، اسفند ۱۳۶۰ از تیم راه‌آهن به شاهین رفت، اواسط لیگ سال ۶۶ به السد قطر رفت، زمستان ۱۳۶۷ به تهران بازگشت و این بار سراغ باشگاه استقلال تهران رفت.

تا پایان دوره بازیگری‌اش تنها ۱۹ بازی ملی انجام داد که ۱۸ بازی آن در ۳۰ سالگی به بعد رخ داد. امیر اولین بار توسط ناصر ابراهیمی در سال ۱۳۶۴ به تیم ملی ب دعوت شد.

پس از برکناری برانکو ایوانکوویچ از راس تیم ملی فوتبال، قلعه‌نویی در سال 85 سرمربی تیم ملی شد و در شرایطی که به عنوان سرمربی تیم ملی در هیچ دیداری شکست نخورده بود، در مسابقات جام ملت‌های آسیا (۲۰۰۷) با ضربات پنالتی مغلوب تیم ملی کره جنوبی شد و از این رقابت‌ها دست خالی بازگشت.

قلعه‌نویی در سال ۲۰۰۷ کاندیدای کسب عنوان بهترین مربی سال آسیا شد.

افتخارات قلعه‌نویی

1- قهرمانی در جام میلز هندوستان همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1368)

2- قهرمانی در لیگ قدس همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1369)

3- قهرمانی در جام باشگاه‌های آسیا همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1370)

- 4- قهرمانی در جام استقلال قطر همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1370)
- 5- قهرمانی در جام باشگاه‌های تهران همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1370)
- 6- قهرمانی در جام برتر تهران همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1373)
- 7- قهرمانی در جام حذفی کشور همراه با استقلال به عنوان بازیکن (1375)
- 8- قهرمانی در جام پرچم ترکمنستان همراه با استقلال به عنوان مربی (1376)
- 9- قهرمانی در لیگ آزادگان همراه با استقلال به عنوان مربی (1376)
- 10- قهرمانی در جام حذفی کشور همراه با استقلال به عنوان سرمربی (81- 1380)
- 11- قهرمانی در لیگ برتر همراه با استقلال به عنوان سرمربی (85- 1384)
- 12- قهرمانی در جام حذفی همراه با استقلال به عنوان سرمربی (87- 86)
- 13- قهرمانی در لیگ برتر همراه با استقلال به عنوان سرمربی (88- 87)
- 14- قهرمانی با سپاهان در لیگ برتر به عنوان سرمربی (89- 88)
- 15- قهرمانی با سپاهان در لیگ برتر به عنوان سرمربی (90- 89)

امید توفیقی / گروه ورزش